

بررسی رابطه بین سبک‌های والدینی با از خودبیگانگی نوجوانان (مطالعه موردی دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر شهر شیراز در سال ۹۱-۱۳۹۰)

بیژن خواجه‌نوری^{۱*}، صادق پناهی نسب^۲، صدیقه جهانبازیان^۳، اسماعیل دامیار^۴

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

۳- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز

۴- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات یاسوج

چکیده

شیوه‌های فرزندپروری از موضوع‌های مهم در علوم اجتماعی و رفتاری محسوب می‌شود. این شیوه‌ها در اجتماعی شدن نوجوانان نقش بسیار موثری ایفاء می‌کنند. مطالعه حاضر به بررسی رابطه سبک‌های والدینی و از خودبیگانگی نوجوانان پرداخته است. نمونه مورد مطالعه ۳۸۱ دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز است. برای جمع آوری اطلاعات از روش پیمایشی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز با شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بدست آمد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک‌های والدینی اقتدارطلب و سهل‌گیر با از خودبیگانگی رابطه معنی داری وجود دارد. بین سبک والدینی اقتدارطلب با متغیر از خود بیگانگی با مقدار ضریب همبستگی ۰/۳۵۲- بیشترین همبستگی بوده است. بین سبک والدینی استبدادی و از خودبیگانگی رابطه معنی داری وجود ندارد. بین متغیر پیوستگی با خانواده با

متغیر از خود بیگانگی با مقدار ضریب همبستگی $0/310-$ و سطح معنی داری $p < 0,01$ رابطه وجود دارد. متغیر اعتماد به خانواده با متغیر از خود بیگانگی با مقدار ضریب همبستگی $0/310-$ و سطح معنی داری $p < 0,01$ رابطه وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: شیوه فرزند پروری، از خود بیگانگی، نوجوانان، سبک‌های والدینی اقتدارطلب، سهل گیر و استبدادی.

مقدمه

خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است، که بر اساس ازدواج دو جنس مخالف شکل می‌گیرد، و دارای ابعاد گوناگون، زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی است. خانواده یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری شخصیت کودک و اولین بذر رشد تکوین فردی و پایه اساسی بنای شخصیت آدمی است (تاونسند و لنفیر^۱، ۲۰۰۷؛ ساروخانی، ۱۳۷۹: ۴۸). خانواده به عنوان اولین کانون اجتماعی، عوامل مختلفی وجود دارد که یکی از عوامل تاثیرگذار بر رشد فرزندان بویژه رشد روانی آنها، چگونگی روشهای تربیتی والدین در چارچوب خانواده است. روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و همچنین سازگاری آنان با وضعیت مختلف اجتماعی موثر است. روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در سلامت روان فرزندان تاثیر فراوان دارد. ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سالها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. یکی از مسائلی که همواره در خانواده مطرح می‌شود، شیوه‌های فرزندپروری و نحوه تربیت آنها است. سبک‌های تربیت والدین ساختارهای قوی در اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان هستند و غالباً به عنوان تفاوت‌های فردی در تربیت آنها توصیف می‌شوند (کوهن و رایس^۲، ۱۹۹۷). چگونگی تاثیر روشهای تربیتی والدین بر رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان از اهمیت فراوان دارد (دارلینگ و استنبرگ^۳، ۱۹۹۳).

1 Townsend & Lanphier

2 Cohen and Rice

3 Darling & Steve

فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تاثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند^۱، ۱۹۹۱). خانواده هر فرد دارای ابعاد و شاخص‌های متفاوتی است که می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت فرد موثر باشد (نوابخشی و فتحی، ۱۳۹۰: ۵۱). هر خانواده‌ای با توجه به ویژگی‌های والدین و تقاضاهای آنها و پاسخ‌دهی فرزندان شیوه‌های تربیتی و فرزندپذیری ویژه‌ای را انتخاب می‌کنند که با بروز و نگهداری رفتارها و ویژگی‌های خاص در فرزندان رابطه نشان داده‌اند (بامریند، ۱۹۹۱). در خانواده، کودکان می‌آموزند چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است و نقش قابل توجهی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودک دارد. شیوه‌های فرزندپروری یک عامل تعیین‌کننده و اثرگذار بر روی شخصیت کودکان است که نقش بسیار مهمی در روحی و روانی آنان می‌گذارد (بامریند، ۱۹۹۱). با مریند در زمینه شیوه فرزندپروری پژوهش‌های گسترده‌ای انجام داده و نشان داده است که شیوه فرزندپروری والدین دو بعد گرمی (پذیرش)^۲ و کنترل دارد. سطح بالای گرمی و پذیرش از خصوصیات والدینی است که علاقمند به کودک و مسئولیت‌پذیر هستند، سطح بالای کنترل رفتار از خصوصیات والدین متوقع و دیکتاتور است (رپه^۳، ۱۹۹۷). گسترده‌ترین سنخ‌شناسی در مورد رفتارهای تربیتی توسط با مریند مطرح شد. پژوهش‌های وی نشان داد که فرزندپروری دو جنبه گسترده دارد: جنبه اول، پرتوقع بودن است. برخی از والدین، معیارهایی عالی برای فرزندانشان مقرر می‌کنند و از آنها توقع دارند که این معیارها را برآورده سازند. والدین دیگر، توقع خیلی کمی دارند و به ندرت سعی می‌کنند رفتار فرزندان را تحت تاثیر قرار دهند. جنبه دوم، پاسخ‌دهی است. برخی والدین، نسبت به فرزندان خود پذیرا هستند، به درخواست آنها پاسخ می‌دهند و اغلب به بحث آزاد و گفت‌وگو با فرزندانشان می‌پردازند. برخی والدین هم، طردکننده و بی‌اعتنا هستند. برخی والدین هم، طردکننده و بی‌اعتناء هستند. به طوری که ترکیبات گوناگون پرتوقعی و پاسخ‌دهی، سبک‌های فرزندپروری عبارتند از: مقتدرانه، مستبدانه، آسان‌گیرانه (بامریند، ۱۹۶۷).

1 Baumrind

2 Warmth and acceptance

3 Rapee

بیان مسأله

رفتارهای والدین و اعضاء خانواده در نوع بروز واکنش‌های افراد نیز موثر است. این واکنش‌ها در زمینه پی ریزی شخصیتی فرد در دوران بلوغ سهم بسزایی دارد. نوجوانان در این سن نیاز به خودشناسی و شناخت استعدادهایشان دارند و این حضور والدینی را می‌خواهد که در این راه به آنان کمک کند در غیر اینصورت آنان به صورت غیر فعال در جامعه حضور می‌یابند. در اینجا است که مسأله چگونگی تربیت افراد مطرح می‌شود. پارسونز می‌گوید که خانواده زن و شوهری معاصر ارزش‌های جامعه کل را به جوان منتقل می‌کند. از نظر او این ارزش‌ها به وسیله نقشهایی که والدین در خانواده و در جامعه ایفا می‌کنند به کودک القا می‌شود (آندره، ۱۳۵۴: ۸۱-۸۰). خانواده به عنوان یکی از زیربنایی‌ترین و اساسی‌ترین سازمان تعیین‌کننده هویت نوجوانان محسوب می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد سبک‌های والدینی در عملکرد سالم و سازگاری فرزندان نقش مهمی را ایفا می‌کند (مک کینی و همکاران، ۲۰۱۴). بامریند براساس پژوهش‌هایش سه شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه را تشخیص داد (چن و کو، ۲۰۱۰؛ برک به نقل از سید محمدی، ۱۳۸۶). فرزند پروری سهل‌گیرانه: در این شیوه، والدین از فرزندان خود انتظارات چندانی ندارند و کودکان در بیان احساسات و رفتارهای تکانشی خود آزادی عمل دارند چنین والدینی برای کنترل فرزندان خود، به ندرت از تنبیه یا زور استفاده می‌کنند. این والدین در عامل تقاضا پایین و در عامل پاسخ دهی بالا هستند. فرزند پروری مقتدرانه: در این شیوه، والدین انعطاف پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود برای آنان مقررات روشنی تعیین می‌کنند. در عین حال، برای مقررات وضع شده دلایلی ارایه می‌دهند و اغلب در مورد خواسته‌هایشان با فرزندان خود استدلال می‌کنند. این والدین به نیازها و عقاید فرزندان خود حساس اند و آنان را به رعایت مقررات خانوادگی تشویق می‌کنند. آنها بیشتر بر اهداف همدلانه تمرکز دارند. این والدین، متوقع و در عین حال پاسخگو هستند (کاپلان^۱، ۲۰۰۰). فرزندپذیری مستبدانه: در این شیوه، کودکان در محیط خانواده با محدودیت‌های شدید مواجه می‌شوند، آنها موظف اند از مقررات خاص والدین پیروی کنند. والدین نیز از فرزندانشان اطاعت بی‌چون و چرا می‌خواهند و به

ندرت علت خواسته‌های خود را توضیح می‌دهند آنها بیشتر از زور استفاده می‌کنند و برای وادار کردن فرزندان خود به اطاعت گاهی به تنبیه‌های شدید بدنی نیز متوسل می‌شوند. طبیعی است در چنین خانواده‌هایی، تخلف از مقررات، مجازات سنگینی به دنبال دارد (احدی و جهرمی، ۱۳۷۸). این والدین کنترل‌کننده و در عین حال غیر پاسخگو هست. با توجه به اهمیت و نقش مهمی که سبک‌های فرزند پروری در مراحل مختلف زندگی نوجوانان ایفا می‌کند و از خود بیگانگی یکی از مشکلات روانی است که عوامل متفاوتی از جمله سبک‌های فرزند پروری والدین در زمان‌های مختلف موجب بروز آن شده است. مشکلات روانی‌ای که جوانان در پرتو نحوه سبک‌های فرزند پروری ممکن است با آن روبرو شوند، گستره وسیعی را در بر می‌گیرد. در میان این مشکلات از خود بیگانگی از اهمیت زیادی برخوردار است. از خودبیگانگی می‌تواند تک تک افراد جامعه را با خود درگیر سازد. افراد از خودبیگانه دچار بیماری‌های روحی و روانی هستند که یا به وسیله جامعه طرد شده اند یا جامعه هنجارهایش را از دست داده و انسان را به پوچی گرایشی و انزوا نشینی سوق داده و به طور کلی انسان را منفعل به بار می‌آورد (بشیری گیوی و همکاران، ۱۳۹۱). چالش از خودبیگانگی سطوح مختلف فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. طبیعتاً همه‌ی جوامعی که با این چالش مواجهه اند باید درصدد شناخت آن بر آیند. مسأله‌ی از خودبیگانگی به عنوان یک آسیب و بحران، نه تنها هویت انسانی را هدف قرار داده و او را از مسیر کمال دور می‌کند، بلکه سلامتی انسان را نیز تهدید می‌کند و موجب پریشان حالی‌های روانی، عدم اطمینان به آینده، بی‌معنایی^۱، بی‌قدرتی^۲، بی‌هنجاری^۳، بیگانگی^۴، انزوای اجتماعی^۵ و از هم پاشیدن اعتقادات و می‌گردد (رجبی، ۱۳۸۰؛ کلدی و صفی‌پور، ۱۳۸۱). از خودبیگانگی دارای ابعاد مختلفی، از جمله از خودبیگانگی فرهنگی، از خودبیگانگی از کار، از خودبیگانگی سیاسی و از خودبیگانگی اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۲). در جوامعی مانند ایران که در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند، و آموزه‌های مختلفی را خانواده‌ها از طریق رسانه‌های مختلف در خصوص تربیت فرزند دریافت

1 Meaninglessness

2. Powerlessness

3. Normlessness

4. Cultural estrangement

5. Isolation

می‌کنند، ما با سبک‌های مختلف فرزندپروری روبرو می‌شویم که پیش از این یا با آنها روبرو نبوده ایم و یا کمتر بوده ایم. این سبک‌ها، به‌مراه روابط والدین با یکدیگر و والدینی-فرزندی یکی از زمینه‌های مهم جامعه‌پذیری بشمار می‌آیند. مطالعه واتز^۱ و همکارانش نشان دادند که فرایند جامعه‌پذیری و بخصوص نقش خانواده در اشکالی از "از خود بیگانگی نقش مهمی ایفا می‌کند (واتز و همکاران، ۱۹۶۹)". برخی از مطالعات نشان داد که فرهنگ‌پذیری در خانواده نتایج مثبت و منفی بر روی سلامتی جوانان دارد (یانگ^۲، ۲۰۰۷، آلن و همکاران^۳، ۲۰۰۷، گونزالس و همکاران^۴، ۲۰۰۶)

هدف این پژوهش بررسی این مسأله است که تا چه اندازه از خودبیگانگی جوانان مرتبط با عوامل خانوادگی و از جمله سبک‌های فرزندپروری است. کدامیک از این عوامل بیشترین تغییرات پدیده‌ی از خودبیگانگی را در بین نوجوانان ایفاء می‌کنند؟ همچنین کدام سبک فرزند پروری بیشترین رابطه را با از خودبیگانگی نوجوانان دارد؟

پیشینه پژوهش

یکی از مهمترین مراحل در نوشتن پژوهش، اشاره به مطالعاتی است که قبلاً در این زمینه انجام شده است. آگاهی از پیشینه انجام شده، ضمن اشکار ساختن ابعاد جدید مسأله، از تکرار بیهوده پژوهش در مورد جنبه‌هایی که دیگران بررسی کرده اند جلوگیری خواهد کرد. همچنین سوالات یا فرضیه‌های پژوهش دقیق‌تر خواهند شد و امکان شراکت در تجربیات محققان قبلی فراهم می‌شود.

خلیلی فر و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان "مطالعه تاثیر سبک فرزندپروری والدین بر سبک جهت‌گیری مذهبی در دانش‌آموزان پایه سوم در دوره متوسطه شهر شیراز" انجام داده اند. ۲۷۱ نفر از دانش‌آموزان (۱۳۸ دختر، ۱۳۳ پسر) به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری منطقی بر جهت‌گیری

1 Watts et al.

2 Ying

3 Allen et al

4 Gonzales et al

مذهبی همانندسازی شده تاثیر مستقیم و بر جهت گیری مذهبی درون فکنی شده تاثیر عکس داشته است. همچنین سبک فرزندپروری آسان گیر بر جهت گیری مذهبی درون فکنی شده تاثیر منفی دارد. سبک فرزند پروری مستبدانه بر جهت گیری مذهبی درون فکنی تاثیر مثبت داشته، اما بر جهت گیری مذهبی همانندسازی شده، تاثیر خاصی مشاهده نمی‌شود.

زینالی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان " رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در فرزندان " انجام داد ه اند. شرکت کنندگان در پژوهش ۳۰۴ نفر از دانشجویمان دختر و پسر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی خوی بود که دامنه سنی بین ۱۹ تا ۲۶ سال داشتند. نتایج نشان داد سبک والدینی مستبد پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد و پیش بینی کننده مستقیم و معنادار آن است. سبک والدینی بی اعتنای پدر و مادر رابطه مثبت و معنا داری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد. سبک والدینی آزاد گذار پدر و مادر رابطه معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان ندارد. سبک والدینی مقتدر به عنوان کارآمدترین سبک از نظر کاهش استعداد اعتیاد و سبک‌های والدینی بی اعتنا و مستبد را به عنوان سبک‌های نا کارآمد از نظر افزایش استعداد اعتیاد در فرزندان معرفی می‌نماید.

خوئی نژاد و همکاران (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان " رابطه سبک‌های فرزند پروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر " انجام داده‌اند. نمونه پژوهش ۳۸۷ نفر بودند که به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان دبیرستان‌های مشهد منطقه تبادکان انتخاب گردیدند. نتایج نشان داد بین سبک‌های فرزند پروری مقتدر، سبک مستبد، سبک آسان گیر با احساس تنهایی رابطه معنی دار بدست آمد.

جرا^۱ و همکاران (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان "انجام داده‌اند. نشان دادند، تاریخچه کودکی غفلت و مراقبت پایین والدینی (سبک بی اعتنایی)" با شدت بیشتر سوء مصرف مواد رابطه دارد. فلیتچر^۲ (۲۰۰۸) پژوهشی با عنوان "سبک‌های والدینی به عنوان یک تعدیل کننده اجتماعی میان استراتژی‌های انضباطی مادرانه و رفاه بچه " انجام داده‌اند. در این پژوهش شرکت کنندگان ۳۷۰ نفر از بچه‌های کلاس چهارم و مادران آنها بودند. نتایج پژوهش نشان داد که

1 Gerra

2 Fletcher

مادران مقتدر و استبدادی متعهد بودند در کمتر تسلیم شدن بنابر تهدید و اجبار نسبت به مادران بخشنده یا بی طرف. تأثیرات منفی تسلیم شدن بنابر تهدید و اجبار بر حسب درونی و بیرونی کردن مسائل اجتماعی تنها درون خانواده‌های مستبد مشاهده شد.

دیزلندز^۱ (۲۰۰۰) نشان داده است که کودکان والدین مقتدر، سطوح بالاتری از خود مختاری را نسبت به فرزندان والدین مستبد و سهل گیر از خود نشان داده اند.

در مجموع با مرور پژوهش‌های انجام شده در این حیطه چنین استنباط می‌شود که پژوهش‌های موجود به بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری با از خود بیگانگی نپرداخته اند. بنابراین در این پژوهش سعی شده است به رابطه سبک‌های والدینی با از خود بیگانگی پرداخته شود.

چارچوب نظری

روابط والدین با یکدیگر و فرزندانشان از مهمترین و اساسی‌ترین عوامل تأثیر گذار بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی فرزندان بوده و به تبع آن جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. در واقع هیچ بستری از نظر قدرت و تاثیر، با خانواده برابری نمی‌کند (برتون و همکاران^۲، ۲۰۰۰). خانواده سالم، جامعه سالمی را بهمراه خواهد داشت و البته بر عکس آن نیز صادق است. به واقع محیط اجتماعی خانواده، سبک‌های والدینی، که شامل روابط بین والدین و فرزندان نیز می‌گردد، سلامت فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هوندلبی^۳ و مرکر^۴، ۲۰۰۸؛ لم^۵ و همکاران، ۱۳۸۷). خانواده‌هایی که دارای محیطی گرم و صمیمی هستند، موجب پیوندهای قوی بین والدین و فرزندان می‌شوند و خانواده‌هایی که در آنها تعارضات والدین با یکدیگر و با فرزندان حاکم است، موجب اضطراب و دل‌نگرانی و سایر بیماری‌های روحی و جسمی در فرزندان می‌گردد. مطالعات نشان‌دهنده‌ی آن است که سبک‌های زندگی مختلف موجب جهت‌گیری‌های متفاوت فرزندان (از قبیل گرایش‌های

1 Deslandes

2 Burton et al

3 Hundleby

4 Mercer

5 Lim

مذهبی، جمع‌گرایی یا فردگرایی، و...) در آینده می‌شود (پاتریک و همکاران^۱، ۲۰۱۰؛ کهار^۲، ۲۰۰۰؛ ابر و همکاران^۳، ۲۰۰۹؛ انولا و همکاران^۴، ۲۰۰۰؛ دادلی و وسی^۵، ۲۰۰۰). یکی از دلایل این امر همچنانکه یانگ (۱۹۹۹) می‌گوید، هسته‌ی اصلی عقاید هر کس در مورد خودش، ریشه در روابط بین‌شخصی‌اش بویژه در خانواده‌اش شکل می‌گیرد (بلیست و همکاران^۶، ۲۰۰۶). روابطی که بعداً شخص به اجرا می‌گذارد و یا اختلالاتی که در روابط و یا باورهایش بروز می‌کند، می‌تواند نشأت گرفته از این روابط باشد (همان). در مدل شناختی بی‌نظمی شخصیتی بک^۷ نیز الگوهای رفتاری و تحت تأثیر محیط کودکی و بویژه خانواده است (دویدسون^۸، ۲۰۰۸: ۲۱). هر چه پیوند بین والدین و فرزندان بیشتر باشد، رفتارهای نابهنجار، افسردگی و اضطراب در آنها کمتر دیده می‌شود (دله و همکاران^۹، ۲۰۱۰). یکی از نتایج پیوندهای والدین با فرزندان در خانواده بروز از خودبیگانگی در فرزندان است که این پیوندها در آنها ضعیف‌تر است (همان). سبک‌های مختلف فرزندپروری که روابط بین والدین و فرزندان در آنها نهفته است، می‌توانند به بروز نابهنجاری‌های اجتماعی و از جمله از خود بیگانگی در بین فرزندان بی‌انجامد. شیوه‌ها و روش‌هایی که والدین بر اساس شیوه‌ها و الگوهایی که آنها را سبک‌های فرزندپروری می‌نامند، فرزندان خود را تربیت می‌کنند (مداحی، ۱۳۹۰: ۴۶). تربیت اخلاقی و روانی، شناسائی، رشد و پیشرفت استعدادهاى فرزندان، آموزش و مهارت‌ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید والدین، از جمله این اهدافی سبک‌های والدین است. مطالعات انجام یافته در مورد سبک‌های والدینی مربوط به کارهای کلاسیک بامریند است که مکویی^{۱۰} و مارتین^{۱۱} این مدل را بازنگری کرده‌اند. طبق

1 Patrick et al

2 kuhar

3 Abar & et al

4 Aunola et al

5 Dudley & Wisbey

6 Blissett & et al

7 Beck's cognitive model of personality disorder

8 Davidson

9 Dale & et al

10 Maccoby.

11 Martin

نظر بامریند (۱۹۷۱) سبک‌های والدینی می‌توانند بر اساس دو مشخصه توقع^۱ و پاسخ‌دهی^۲ طبقه‌بندی شوند. توقع به این اشاره دارد که والدین انتظار رفتارهای پخته دارند، بنابراین کنترل و نظارت می‌کنند. پاسخ‌دهی اشاره می‌کند به این که والدین گرمی عاطفی و پذیرش نشان می‌دهند و خود را درگیر کارهای کودکان می‌کنند بر اساس این دو مشخصه بامریند سه سبک والدینی را معرفی کرد: مستبد^۳، مقتدر^۴ و آسان‌گیر^۵. مک‌شان و شفر-مک‌دانیل^۶ بیان کرده‌اند که کیفیت روابط در خانواده بر روی بیگانگی نوجوانان با والدین و بر بیگانگی بعدی آنها موثر خواهد بود (مک‌شان و شفر-مک‌دانیل، ۲۰۰۹: ۴۶). مطالعات نشان دهنده آن است که سبک زندگی اقتدار طلب در مقایسه با سایر سبک‌های والدینی اثر بخشی بیشتری بر توسعه شخصی و اجتماعی نوجوانان دارد (مسکاتلی و روبین^۷، ۲۰۰۹: ۳۴۱). مطالعه ماسکاتلی و روبینی در مطالعه خود نشان دادند که این نوع سبک والدینی بر روی طرح‌های آینده و هویت اجتماعی نوجوانان بیش از سایر سبک‌های والدینی تأثیر داشته است. گرمی، دقت، استقلال و بخشش - که ابعاد اصلی والدینی هستند - بر روی هویت اجتماعی نوجوانان تأثیر گذار هستند. این ابعاد در روابط صمیمی باثبات و اجرای اهداف شخصی اهمیت زیاد دارند (همان).

فرضیه‌ها:

- بین سبک‌های مختلف والدینی و از خود بیگانگی نوجوانان رابطه وجود دارد.
- بین رابطه والدین - فرزندی و از خود بیگانگی نوجوانان رابطه وجود دارد.
- بین پیوستگی با خانواده و از خود بیگانگی رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین و از خود بیگانگی نوجوانان رابطه وجود دارد.

1 Demanding ness

2 Esponsiveness

3 Authoritatian

4 Authoritative

5 Permissive

6 McShane & Schaefer McDaniel

7 Moscatelli & Rubini

روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه خود گزارشی محقق ساخته بوده است. آلفای بدست آمده برای سبک‌های والدینی ۰,۷۵ است. برای تعیین اعتبار سوالات پرسشنامه از اعتبار صوری و برای تعیین پایایی آنها از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. جامعه‌ی آماری دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های نواحی چهارگانه شهر شیراز بوده است. حجم نمونه مطابق با روش نمونه‌گیری (لین^۱، ۱۹۷۸: ۴۴۶-۴۴۷) با ضریب پایایی ۴₊، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۸۱ نفر بود که در نهایت با بررسی و بازبینی پرسشنامه، تعداد ۳۷۷ پرسشنامه بدست آمد. شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ کل دانش‌آموزان (دختر و پسر) شهر شیراز برابر با ۶۷۱۲۹ نفر بود در چهار ناحیه به تحصیل مشغول بوده‌اند (سازمان آموزش و پرورش فارس معاونت پژوهش و برنامه ریزی منابع انسانی، گروه طرح و برنامه، ۱۳۹۱). بر اساس جمعیت هر ناحیه سهمی از نمونه به نواحی اختصاص یافت. سپس در هر ناحیه تعدادی از دبیرستان‌ها بطور تصادفی انتخاب و بر اساس جمعیت هر مدرسه نیز همچنان به نسبت پرسشنامه‌ها توزیع شدند.

تعریف متغیرها

سبک والدینی اقتدارطلب: والدینی که این الگوی فرزند پروری را دارند به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری می‌دهند و آنها را تشویق می‌کنند و نوعی محدودیت و کنترل را بر آنها اعمال می‌دارند. در خانواده‌هایی با والدین مقتدر اظهار نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع در تعامل کودک و والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت نسبت به کودک در سطح بالاست (ماسن^۲ و همکاران، ۱۳۷۰). سبک والدینی استبدادی: شیوه فرزند پروری استبدادی با ویژگی‌های توقع بالا و پذیرش پایین مشخص شده است. این والدین قوانین خود را به صورت انعطاف ناپذیری

1 Lin

2 massen

تحمیل می‌کنند. از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گرند. با رفتار بد مقابله می‌کنند و کودک بد رفتار را تنبیه می‌کنند. ابراز محبت و صمیمیت آنها نسبت به کودکان در سطح پایین است. آنها امیال کودکان را در نظر نمی‌گیرند و عقایدش را جویا نمی‌شوند. کودکان دارای جنین والدینی ثبات روحی و فکری ندارد و خویشتن را بدبخت می‌پندارد. آنها زود ناراحت می‌شوند و در برابر فشارهای روانی آسیب پذیرند (هییتی، ۱۳۸۱).

سبک والدینی سهل‌گیر: این والدین به صورتی افراطی نسبت به کودکان خود پذیرش و پاسخدهی دارند، اما توقعی از کودکان خود ندارند (اشتاین برگ^۱، ۱۹۹۶). و نسبت به آموزش رفتارهای اجتماعی فرزند خود سهل‌انگار هستند. در این خانواده‌ها نظم و ترتیب و قانون کمی حکمفرماست و پایبندی اعضا به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم است و هر کس هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد.

از خودبیگانگی: از خود بیگانگی در لغت به معنای جدایی از خود است و در اصطلاح به وضعی اطلاق می‌شود که در آن، انسان‌ها تحت چیرگی نیروهای خود آفریده‌شان قرار می‌گیرند و این نیروها به عنوان قدرت‌های بیگانه در برابرشان می‌ایستند (کوزر، ۱۳۷۷: ۸۴).

یافته‌ها

با توجه به جدول 1، ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر سبک والدینی که مقدار آن ۰,۷۵ است نشان دهنده این امر است که پایایی گویه‌های این متغیر در حد بالایی است.

جدول (۱) آزمون آلفای کرونباخ بر روی سبک والدینی

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا کرونباخ
سبک والدینی	۳۰	۰,۷۵

برای بررسی اعتبار همسانی درونی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول شماره ۲ نشان داد که رابطه بین مؤلفه‌های بیگانگی با بیگانگی در سطح معنی داری ۹۹ درصد قابل قبول است. با توجه به آماره‌های جدول، طیف بیگانگی از اعتبار بالایی برخوردار است.

جدول (۲) ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های از خود بیگانگی با از خود بیگانگی

انزوا	تنفر از خویشان	بی‌قدرتی - بی‌معنایی	بیگانگی کلی	
۶۳۰/۰ **	۸۴۳/۰ **	۷۶۳/۰ **	۱	بیگانگی کلی
۱۳۸/۰ **	۴۶۷/۰ **	۱		بی‌قدرتی - بی‌معنایی
۴۳۶/۰ **	۱			تنفر از خویشان
۱				انزوا

** p < ۰/۰۱ * p < ۰/۰۵

پیش از بررسی فرضیه‌های پژوهش به بررسی اعتبار سازه پرسشنامه سبک والدینی پرداخته می‌شود. برای این مقصود از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. محاسبه تحلیل مؤلفه‌های اصلی سوالات سبک والدینی نشان داد که اندازه "مقیاس کفایت نمونه‌گیری کایزر - مایر - اولکین"^۱ (KMO) برای سوال‌های ۳۰ گانه سبک والدینی برابر با ۰/۸۳ است و نشان دهنده کفایت نمونه‌هاست. همچنین مشخصه‌ی آزمون کرویت بارلت^۲، برابر با ۲۵۳۱/۳۹۴، و از لحاظ آماری معنادار است (p=۰/۰۰۰) که نشان می‌دهد تفکیک عامل‌ها براساس بارهای عاملی به درستی اجرا شده و بین عامل‌ها همپوشانی وجود ندارد. همچنین مشخص شد که در مجموع ۸ عامل قابل تفکیک است که بیش از ۵۵/۴ درصد از کواریانس سبک زندگی در ۸ عامل به ترتیب تبیین می‌شود.

1 Kaiser Meyer Olkin measure of sampling adequacy.

2 Bartlett's test of sphericity.

جدول (۳) آزمون بارتلت برای تفکیک ماتریس عامل

۰/۸۳	مقدار کایزمایر-اوکلین
۲۵۳۱/۳۹۴	بارتلت
۴۳۵	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معنی داری

فرضیه ۱: بین سبک‌های مختلف والدینی و از خودیگانگی نوجوانان رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۴، بیشترین همبستگی بین متغیر سبک والدینی اقتدار طلب با متغیر از خود بیگانگی بوده است با مقدار ضریب همبستگی $-۰/۳۵۲$ و سطح معنی داری $P < 0/01$. جهت رابطه این متغیر با متغیر وابسته منفی و شدت رابطه نسبتاً متوسط بوده است. به عبارت دیگر هر چه سبک والدینی اقتدار طلب تر باشد، فرزندان کمتر دچار از خود بیگانگی می‌شوند. دومین همبستگی بین متغیر سبک والدینی سهل گیر و از خودیگانگی با مقدار ضریب همبستگی $-۰/۱۴۱$ و سطح معنی داری $P < 0/05$ است. برای رابطه این متغیر با متغیر وابسته منفی و شدت رابطه ضعیف بوده است. بین سبک والدینی استبدادی و از خودیگانگی رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول (۴) رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل و از خود بیگانگی نوجوانان

از خودیگانگی / سبک والدینی	ضریب همبستگی r	سطح معنی داری (sig)
سبک والدینی اقتدار طلب	$-۰/۳۵۲^{**}$	۰/۰۰۰
سبک والدینی استبدادی	$-۰/۰۸۳$	۰/۱۳۴
سبک والدینی سهل گیر	$-۰/۱۴۱^*$	۰/۰۱

** $p < ۰/۰۱$; * $p < ۰/۰۵$

فرضیه ۲: بین رابطه والدین- فرزند و از خودیگانگی نوجوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول ۵، بین دو متغیر رابطه والدین-فرزند و از خودبیگانگی رابطه معنی داری وجود ندارد، زیرا $P > 0/05$ بوده است.

جدول (۵) رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل و از خود بیگانگی نوجوانان

از خودبیگانگی	ضریب همبستگی r	سطح معنی داری (sig)
رابطه والدین-فرزند	۰/۰۵۵	۰/۳۱۳

فرضیه ۳: بین پیوستگی با خانواده و از خودبیگانگی نوجوانان رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۶، همبستگی بین متغیر پیوستگی با خانواده با متغیر از خود بیگانگی با مقدار ضریب همبستگی $-0/310$ و سطح معنی داری $P < 0/01$. جهت رابطه این متغیر با متغیر وابسته منفی و شدت رابطه نسبتاً متوسط بوده است. به عبارت دیگر هر چه پیوستگی با خانواده بیشتر باشد، فرزندان کمتر دچار از خود بیگانگی می‌شوند.

جدول (۶) رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل و از خود بیگانگی نوجوانان

از خودبیگانگی	ضریب همبستگی r	سطح معنی داری (sig)
پیوستگی با خانواده	$-0/310$	۰/۰۰۰

جدول ۷ به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر از خودبیگانگی نوجوانان پرداخته است. با توجه به نتایج جدول مهمترین متغیری که توانسته است بیشترین تغییرات از خود بیگانگی نوجوانان را تبیین کند، سبک والدینی اقتدار طلب بوده است. این متغیر به تنهایی ۱۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده است. مقدار $F = 55/16$ در سطح بیش از ۹۹ درصد $(Sig = 0/000)$ نشان دهنده‌ی مناسب بودن مدل رگرسیونی بوده است. این مدل با داشتن سه متغیر سبک اقتدار طلب، استبدادی و نهایتاً تعلق به خانواده بر روی هم توانسته است که نزدیک به ۲۳ درصد تغییرات از خودبیگانگی نوجوانان را تبیین کند.

جدول (۷) متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس از خود

بیگانگی جوانان

مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ^۲	مقدار F	Sig F	Beta	T	Sig. T
اول	سبک اقتدارطلب	۰/۳۹۱	۰/۱۵۳	۵۵/۱۶۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۸۳	-۴/۷۸۸	۰/۰۰۰
دوم	سبک استبدادی	۰/۴۴۶	۰/۱۹۹	۳۷/۶۹۰	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۷	-۴/۶۶۱	۰/۰۰۰
سوم	تعلق به خانواده	۰/۴۷۵	۰/۲۲۶	۲۹/۴۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۰	-۳/۲۵۴	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

یکی از گروه‌هایی که در جهت هویت‌یابی و باز تولید آن به جد تلاش می‌کنند، نوجوانان هستند. به باور بسیاری از روانشناسان و جامعه‌شناسان دوره نوجوانی دوره‌ی هویت‌یابی است. خانواده به عنوان یکی از زیربنایی‌ترین و اساسی‌ترین سازمان تعیین‌کننده هویت نوجوانان محسوب می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد سبک‌های والدینی در عملکرد سالم و سازگاری فرزندان نقش مهمی را ایفا می‌کند. بامریند براساس پژوهش‌های سه شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه را تشخیص داد (برک به نقل از سید محمدی، ۱۳۸۶). در این پژوهش پدیده بیگانگی مورد بررسی قرار گرفت. از خودبیگانگی از مسائل روحی و روانی جدی است که می‌تواند تبعات اجتماعی غیر قابل انکاری برای فرد و جامعه داشته باشد. این پدیده در دهه‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته اما آنچه که تازگی این پژوهش را آشکار می‌سازد، بررسی آن در پرتو سبک‌های والدینی است، برای این مطالعه نوجوانان دبیرستانی انتخاب گردیدند. پس از بررسی نظریه‌های موجود، چارچوب نظری مبتنی بر سبک والدینی طراحی شد. برای بررسی رابطه این متغیر با از خودبیگانگی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز، ۳۸۱ نفر از دانش‌آموزان از نواحی چهارگانه شیراز به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله انتخاب شدند و به شیوه پیمایش و با ابزار پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز را در مورد رابطه بین سبک‌های والدینی و از خودبیگانگی آنها استخراج گردید. دیزلندز (۲۰۰۰) نشان داده است که کودکان والدین مقتدر، سطوح بالاتری از خود مختاری را نسبت به فرزندان والدین مستبد و سهل‌گیر از خود نشان داده‌اند. و این تقریباً با پژوهش انجام شده هم‌سو است که هرچه

نوجوانان دارای والدینی با سبک اقتدارطلب بیشتری باشند میزان از خودبیگانگی آنها کمتر است. بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین و از خودبیگانگی نوجوانان رابطه معنی داری وجود نداشت. در مجموع این پژوهش نشان داد که مهم ترین عامل در کاهش از خودبیگانگی نوجوانان سبک اقتدار طلبی والدین است و سبک‌های دیگر مانند سهل گیری تا حدودی در کاهش از خودبیگانگی موثر است، اما سبک استبدادی نه تنها باعث کاهش از خودبیگانگی نوجوانان نشده بلکه خود در مراحل تشدید کننده آن است. بنابراین در صورتیکه بخواهیم از میزان از خودبیگانگی نوجوانان خود بکاهیم باید به جای راحت گذاشتن آنها و سهل گیری در برابر نوجوانان و یا سخت گیری‌های بی مورد نسبت به آنها به روش اقتدارطلبانه نسبت به آنها رفتار و سعی در پاسخ گویی به نیازهای نوجوانان خود باشیم. با این حال، نتایج این پژوهش لزوم تدوین برنامه‌های آموزش خانواده را برای مسئولان روشن تر ساخت. برنامه‌هایی که والدین را با ابعاد مختلف شیوه‌های فرزندپروری و آثار و پیامدهای آن آشنا کند، و با توجه به مزایای سبک فرزندپروری مقتدرانه، بر آموزش و ترویج آن تاکید بیشتری نماید.

منابع

- ۱- احدی، حسن و جهرمی، فرهاد؛ روانشناسی رشد نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری)، تهران، انتشارات جیحون، ۱۳۸۷.
- ۲- آندره، میشل (۱۳۵۴). جامعه شناسی خانواده و ازدواج. تهران. صص: ۸۱-۸۰.
- ۳- برگ، لورای (۲۰۰۱). روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، مترجم: یحیی سید محمدی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۴- بشیری گیوی، حسین، عبدالحسین، کلانتری، سهیلا، غلامی شهسوارلو (۱۳۹۱). "بررسی جامعه شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر از خودبیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی". مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، سال سوم، صص: ۶۳-۵۳.
- ۵- ساروخانی، باقر (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، چاپ سوم، ص ۴۸.

- ۶- خلیلی فر، مینا. سلطانه‌علی، کاظمی. حجت‌الله، جاویدی (۱۳۹۱). "مطالعه تائیدی سبک فرزندپروری والدین بر سبک جهت‌گیری مذهبی در دانش‌آموزان پایه سوم در دوره متوسطه شهر شیراز". *پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی*، سال اول، شماره اول، صص: ۷۹-۵۸.
- ۷- خوئی نژاد، غلامرضا. علیرضا، رجائی، تکتم، محب‌راد (۱۳۸۶). "رابطه سبک‌های فرزند پروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر". *دانش و پژوهش در روانشناسی*، شماره ۳۴، صص: ۹۲-۷۶.
- ۸- رجبی، محمود (۱۳۸۰). *انسان‌شناسی*، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۹- زینالی، ع. وحدت، ر.، قره‌دینگه، خ (۱۳۸۹). "رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در فرزندان"، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ۶، شماره ۲۳، صص: ۳۵۲-۳۳۶.
- ۱۰- کلدی، ع و ج. صفی‌پور (۱۳۸۱). "تحلیل جامعه‌شناختی از خودبیگانگی در میان دانشجویان دانشگاه تهران"، *پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، شماره ۳۵، صص: ۱۴۹-۱۷۹.
- ۱۱- عریضی، حمیدرضا، اشرف، کاظمی (۱۳۸۷). "بررسی رابطه بین سبک والدین مادر با الگوی مصرف سیگار در دانش‌آموزان". *فصلنامه روانشناسی - انجمن ایرانی روانشناسی*، سال ۱۲، شماره ۱، صص: ۱۱۸-۱۰۴.
- ۱۲- عباس‌زاده، محمد، محمدباقر‌علیزاده‌قدم، رضا اسلامی بناب (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی". *مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، دوره اول، شماره یک، صص: ۱۷۵-۱۴۲.
- ۱۳- ماسن، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آلتا کارول؛ کانجر، جان جین وی (۱۳۷۰). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسایی، تهران: مرکز نشر.
- ۱۴- هیبتی، خلیل (۱۳۸۱). "بررسی شیوه‌های فرزند پروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های رشد زرقان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

- ۱۵- کاپلان، پاول اس (۲۰۰۰). روان شناسی رشد سفر پر ماجرای کودک. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران. خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۶- کوزر، لوئیس (۱۳۷۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۸۴.
- ۱۷- مداحی، محمد ابراهیم مداحی، لیاقت، ریتا، صمدزاده، منا و ایرج مرادی (۱۳۹۰). "بررسی تعامل رفتار سازشی و شیوه‌های فرزندپروری"، مجله روان‌شناسی سلامت، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۴۳-۶۳.
- ۱۸- نوابخش، مهرداد؛ فتحی، سروش (۱۳۹۰). "شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان". نشریه پژوهش دینی، شماره ۲۲، صص ۳۳-۶۴.
- 19- Aunola, K, Stattin, H.K & J. Nurmi (2000). "Internet parenting styles and the Impact on Internet of primary school children", *Journal of Adolescence*, No. 23, pp. 205 - 222.
- 20- Abar, B, Kermitl, C. & A. Winsler (2009). "The effects of maternal parenting style and religious commitment on self - regulation, academic achievement, and risk behavior among African - American pare child college", *Journal of Adolescence*, Vol. 32, pp 259 - 273.
- 21- Blissett, J, Walsh, J., Harris, G., Jones, C., Leung, N. & C. Meyer (2006). "Different Core Beliefs Predict Paternal and Maternal Attachment Representations in Young Women", *Clinical Psychology and Psychotherapy*, Vol. 13, 163-171.
- 22- Burton, P, Phipps, S, P Curtis (2000). "All in the family: A simultaneous model of parenting style and child conduct", *The American Economic Review*, Vol. 92, No 2, pp 368 - 373.
- 23- Banai, M & Weisberg, J, Y.(2003). Alienation in stste - owend and private companies in Russia. *Scandinavian journal of Management*. volume 19, issue 3, pp: 359-383.
- 24- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent Competence and substance. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.
- 25- Baumrind, D. (1971). Current Pattern of Parental authority. *Developmental Psychology Monograph*, 4, pp: 1-103.
- 26- Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior. *Genetic Psychology Monographs*, 75(1), 43-88
- 28- Cohen, D.A., & Rice, J. (1997). Parenting styling \. Adolescent substance use, & academic achievement of Drug Education, 27: 199-211.

- 29- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113 (3), 487-495.
- 30- Dale, r., Power, K., Kane, S. & A. Mitchell (2010). "The Role of Parental Bonding and Early Maladaptive Schemas in the Risk of Suicidal Behavior Repetition", *Archives of Suicide Research*, Vol. 14 (4)., pp. 311-328.
- 31- Dudley, R.L. & R.L. Wisbey (2000). "The Relationship of Parenting Styles to Commitment to the Church among Young Adults", *Religious Education*, Vol. 95 (1), pp. 38-50.
- 32- Deslandes, R.(2000). *Direction of influence between parenting style and parental involvement in schooling practices, and students autonomy:A short-term longitudinal design*. Retrieved November13.
- 33- Fletcher,A. J,walls. E,cook.K, Madison. T,Bridges.(2008). Parenting Style as a Moderator of Associations Between Maternal Disciplinary Strategies and Child Well-Being.*Jornal and family* , vol: 29,N0:12.pp:1724-1744.
- 34- Gerra, G.(2009).childhood neglect and parental care perception in cocaine addicts: Relation with psychiatric symptoms and biological correlates. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*,volume 33,601-610.
- 35- Hundleby, J.D. & G. W. Mercer (1987). " Family and Friends as Social Environments and Their Relationship to Young Adolescents Use of Alcohol, Tobacco, and Marijuana", *Journal of Marriage and Family*, Vol. 49, No. 1, pp. 151-164.
- 36- Kate Davidson (2008). *Cognitive Therapy for Personality Disorders, A Guide for Clinicians*, London: Routledge.
- 37- Kuhar, M. (2010). "Parenting Authority style in Adolescent–parenting Relationships", *Diskurs kindheits – and Jugend forschang Heft*, No 3, pp 321 –336.
- 39- Lim, S. L., Yeh, M., Liang, J., Lau, A.S. & K. McCabe, (2008). "Acculturation Gap, Intergenerational Conflict, Parenting Style, and Youth Distress in Immigrant Chinese American Families", *Marriage & Family Review*, Vol. 45, (1), pp. 84-106.
- 40- Steinberg , L. D. (1996). *Adolescence* (4 ed). New york: Mc Graw – Hill.
- 41- McShane, K. E. & N. Schaefer-McDaniel (2009). “Parenting in the context of Marginalization: Moving towards a Comprehensive Framework”, In: *Handbook of Parenting: Styles, Stresses & Strategies*, Pacey H. Krause and Tahlia M. Dailey (Editors), *New York: Nova Science Publishers*.
- 42- Moscatelli,S. and M. Rubini (2009).Parenting Styles in Adolescence: The Role of Warmth, Strictness, and Psychological Autonomy Granting in Influencing Collective Self-Esteem and Expectations for the Future In: *Handbook of Parenting: Styles, Stresses & Strategies*, Pacey H. Krause and Tahlia M. Dailey (Editors), *New York: Nova Science Publishers*.

- 43- Patrick, C.L, Jaseph, C & P. Leeson (2010). "Parental styles and religious values among teenagers: A 3 year perspective Analysis", *Journal Genetic psychology*, Vol. 171, No 1, pp 93 – 99.
- 44- Rapee RM. (1997). "Potential role of childrearing practices in the development of anxiety and depression". *Clin Psychol Rev* 17(1): 47-67.

